

## مقایسه و تطبیق سبک جملات در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای سوره‌های الرحمن، واقعه، الحديد و حشر

شکوه قریشی<sup>۱\*</sup>، علیرضا ولی‌پور<sup>۲</sup>

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۹

دریافت: ۹۳/۶/۳۱

### چکیده

معجزه پیامبر اسلام خلاف معجزات دیگر پیامبران، کتاب بود و این کتاب در میان مردمی فرستاده شد که به فصاحت و بلاغت شهرت داشتند. اعجاز بلاغی یکی از ابعاد اعجاز این کتاب آسمانی است. این کتاب جاودانه با فصاحت و بلاغت خاص به بیان حقایق می‌پردازد؛ حقایقی که به زیباترین شکل آراسته شده است و در روح شنونده تأثیر می‌گذارد. همگان باید از محتوای قرآن آگاه گردند و راه دستیابی به چنین هدفی ترجمه هر چه دقیق‌تر این کتاب آسمانی است؛ بنابراین اهمیت ترجمه قرآن به دلیل اهمیت و ویژگی‌های آیین اسلام است. هدف پژوهش حاضر آن است که با بررسی دقیق ترجمه های قرآن به زبان روسی، امکان دستیابی به معنا و مقصود دقیق‌تر آن فراهم شود. در این پژوهش سعی شده است تا از میان انواع صنایع ادبی و ساختارهای زبانی که در فرایند ترجمه باید به آن توجه شود، به برخی از جنبه‌های ساختارهای بلاغی و آوایی قرآن بپردازیم. بدین منظور، مثال‌هایی از قرآن آورده شده است تا در بحثی مقایسه‌ای با رویکرد زبان‌شناسی مقابله‌ای، مشکلات ترجمه آن‌ها را بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: زبان‌شناسی مقابله‌ای، سبک، فنون بلاغت، وصل و فصل بلاغی، بلاغت قرآن.

### ۱. مقدمه

زبان وسیله‌ای است که با استفاده از قالب‌های آن، یعنی واژه‌ها، جمله‌ها، آهنگ و آرایه‌ها پیامی قابل درک را به مخاطب در قالب نوشتاری یا گفتاری منتقل می‌کند. زبان سطوح و



ساختارهای گوناگونی دارد که معمولاً از دو حوزهٔ برون‌زبانی و درون‌زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر ساختار درون‌زبانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. ساختار درون‌زبانی دارای سطوحی مانند معنایی، نحوی، سبکی و غیره است که از این رهگذر به بررسی سبک زبانی در ترجمه‌های قرآن به زبان روسی می‌پردازیم.

ترجمه یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین فنون نویسندگی است که نمی‌توان آن را کار بسیار ساده‌ای به‌شمار آورد. مترجم باید به هر دو زبان مبدأ و مقصد، و محتوای متنی که می‌خواهد ترجمه کند، اشراف داشته باشد تا معانی را به طور کامل از زبان مبدأ به زبان مقصد برگرداند، به گونه‌ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است و این کاری است بسیار دشوار که به ظرافت‌ها و ریزه‌کاری‌های فراوانی نیاز دارد (صمدی، ۱۳۹۰: ۲۲).

مترجمان غربی هنگام ترجمهٔ معانی واژه‌های عربی به دلیل بی‌اطلاعی کامل از مفاهیم و بار علمی آن واژه‌ها در فرهنگ اسلامی، به معادل‌یابی نامناسبی اقدام کرده‌اند که نمی‌تواند مفاهیم و کلمات عربی قرآن را انعکاس دهد. این اشکال درحقیقت ستم مترجمان غربی بر قرآن کریم است (زمانی، ۱۳۸۵: ۳۱۴-۳۱۵). علاوه‌بر جنبه‌های بلاغی و ادبی، جنبهٔ وحیانی قرآن کریم عامل اساسی تمایز متن آن از متون عادی است. قسمت عمدهٔ اعجاز قرآن در ویژگی‌های کلامی و لغوی قابل بررسی است؛ لذا هر فردی با هر شرایطی اجازه ندارد آن را به قالب دل‌خواه خود درآورد (صمدی، ۱۳۹۰: ۱۹).

در این پژوهش برآنیم تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

آیا پس از بررسی دقیق دستوری و بلاغی آیات برای آشکار کردن ظرایف بیانی و عوامل مؤثر در سبک و بعد از اینکه نوع عنصر زبانی را مشخص کردیم، می‌توانیم برای آن عنصرها برابرهایی مناسبی در زبان مقصد تعیین کنیم یا خیر؟

امانت ترجمهٔ متن مقدس چنین ایجاب می‌کند که علاوه بر انتقال معنا، ظاهر متن مبدأ و سبک آن نیز حفظ شود. آیا ریتم را که در جریان یافتن آیات به طور منظم و هماهنگ برنظام ویژهٔ قرآن تجلی یافته است می‌توان هنگام ترجمه به زبان مقصد انتقال داد؟

همچنین در این مقاله می‌کوشیم تا تفاوت‌ها و شباهت‌های عنصر علم معانی در زبان عربی و روسی را براساس ظاهر، بررسی و واکاوی کنیم و در حد امکان با هم تطبیق دهیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

برای نخستین بار پیوتر واسیلیویچ پوستینکو *قرآن* را از روی ترجمه فرانسوی دوریه برگرداند و در ۱۷۱۶ در سن پترزبورگ در ۳۵۰ صفحه آن را منتشر کرد. میخائیل ایوانویچ وروکین در ۱۷۹۰ ترجمه جدیدی از *قرآن* را بر اساس ترجمه آندره دوریه، در دو جلد در سن پترزبورگ منتشر کرد. مهم‌ترین ترجمه روسی *قرآن* از متن عربی را سابلوکوف در در قازان در دو جلد منتشر کرد. از ترجمه‌های روسی معاصر ترجمه ایگناتی یولیانوویچ کراچوفسکی از اسلام‌پژوهان برجسته روسی است که در ۱۹۶۳ به کوشش یکی از شاگردانش، گریانوویچ، با مقدمه بلیایف در ۷۱۴ صفحه در مسکو به چاپ رسید. چاپ‌های دیگر این ترجمه دو بار در ۱۹۹۰ در مسکو و یک بار در ۱۹۹۰ در باکو انجام شد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ترجمه‌های جدیدی از *قرآن* صورت گرفت. از آن جمله می‌توان ترجمه والریا پوروخوا، محمد نوری عثمانوف و المیر کولیف را نام برد (رادفر، ۱۳۸۳). کراچوفسکی برجسته‌ترین متخصص زبان‌های سامی در میان خاورشناسان روسی است و مهارت او در شناخت علمی واژه‌های قرآنی سبب شده تا ترجمه او از *قرآن* نه تنها به عنوان یکی از ترجمه‌های روسی *قرآن* اهمیت یابد، بلکه انتخاب‌های او در یافتن جایگزین غیر عربی برای واژه عربی *قرآن* و تفاسیر و تعلیقات او در حاشیه ترجمه، برای محققان علوم قرآنی و هر کس که قصد ترجمه *قرآن* به زبانی دیگر را داشته باشد، بی‌شک منبعی باارزش و دیدنی است. گروهی از دانشگاهیان روسیه و وابستگان مؤسسه خاورشناسی به ریاست م. نوری عثمانوف ترجمه گروه عثمانوف را فراهم آوردند. با وجود اینکه ترجمه عثمانوف را باید در زمره ترجمه‌های مستقیم از زبان عربی دانست، اما تأثیر ترجمه‌های فارسی *قرآن* و نیز ترجمه روسی کراچوفسکی، در متن آن اهمیت دارد و این نکته‌ای است که علاوه بر مقدمه، از لابه‌لای ترجمه نیز احساس می‌شود. همان گونه که در عنوان اثر بازتاب یافته است، در این ترجمه افزون بر متن عربی *قرآن*، تفاسیر نیز نقش مهمی داشته‌اند و لذا می‌توان آن را ترجمه‌ای زبان‌شناختی - سنتی شمرد (پاکتچی، ۱۳۷۷). ترجمه والیریا پوروخوا آن گونه که مترجم خود مطرح کرده، از سوی جمعی از علمای کشورهای اسلامی تأیید ضمنی شده است، چنان که در صفحه عنوان کتاب مطرح شده، مترجم در این اثر، ترجمه‌ای مفهومی از *قرآن* ارائه کرده و چندان در قید ترجمه لفظ به لفظ و رعایت ظرایف زبان‌شناختی نبوده است. مترجم، با توجه به

اینکه متخصص در زبان انگلیسی است و بی‌تردید استفاده وی از متن عربی *قرآن* محدود بوده است، چنان که خود در مصاحبه‌ای بیان کرده، در ترجمه *قرآن* کریم به طور جدی از ترجمه‌های انگلیسی آربری، پیکتهال و عبدالله یوسف علی سود برده است. ترجمه پوروخوا از نظر پردازش ادبی و آرایه‌های لفظی در سطحی قابل توجه قرار دارد و از این نظر نمونه‌ای منحصر به فرد به شمار می‌آید. پوروخوا، همان گونه که خود اشاره می‌کند، در شیوه ترجمه، بسیار در قید منعکس کردن چهره ادبی *قرآن* در عبارت روسی است و چنان اصراری بر به-کارگیری شیوه‌های ادیبانه با آرایه‌های لفظی و معنوی دارد که این امر کار او را از یک ترجمه پای‌بند به لفظ دور می‌سازد. متن روسی پوروخوا به طور چشمگیری به شعر نزدیک شده و در تنظیم عبارات سعی شده است تا جملات روسی به صورت منقطع و در شکل مصراع‌های شعری جلوه‌گر شود (پاکتچی، ۱۳۷۷). ویژگی بارز ترجمه المیر کولیف را نیز می‌توان پیروی از سبک تفسیری کراچکفسکی ذکر کرد. کولیف نیز مانند پوروخوا سعی کرده است هنگام ترجمه از منابع پیشین موجود استفاده کند (Кулиев 2002).

### ۳. بحث و بررسی

یکی از اصلی‌ترین وظایف مترجم برقراری تعادل بین متن مبدأ و مقصد است. ایجاد این تعادل به‌ویژه برای برگردان متون مقدس به مقدماتی نیاز دارد که آن را حوزه زبان‌شناسی مقابله‌ای دنبال می‌کند. موضوع زبان‌شناسی مقابله‌ای، مقابله میان دو زبان یعنی دو سطح زبانی<sup>۱</sup> هم‌زمان است (اجسون، ۱۳۷۰: ۱۴۳-۱۴۴). زبان‌شناسی مقابله‌ای یا تحلیل مقابله‌ای<sup>۲</sup> شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که با سنجش دو زبان متفاوت در پی تشخیص صفات و روکردهای غیر همانند آن دو برمی‌آید (O'Grady et al., 1993).

به تناسب این بحث، در این مرحله به تحلیل تقابلی عنصر سبک زبانی در حوزه متن قرآنی (متن مبدأ) و ترجمه‌های آن به زبان روسی (متن مقصد) می‌پردازیم. طبیعی است بررسی‌های لازم در این حوزه از وظایف مترجم نیست و از تحقیقات زبان‌شناسی است. اما حساسیت متن مقدس *قرآن* به عنوان متن آسمانی نیازمند ترجمه دقیق‌تری است و در این راستا مترجم باید سعی کند ظرایف ساختارهای صرفی، نحوی، واژگانی و بلاغی را هنگام

ترجمه رعایت کند. عناصر ادبی در متون عربی فراوان است و از همین جا تعامل سازنده مترجم و زبان‌شناس به وجود می‌آید. سبک قرآنی ابعاد گوناگونی دارد که به اجمال به مواردی اشاره خواهیم کرد.

واژه‌ها عناصری هستند که از نظر معنی، وزن و آهنگ تفاوت دارند. رابطه لفظ و معنی مانند رابطه جسم و روح است. همان‌گونه که اختلال جسم در روح خلل می‌افکند، ضعف و اختلال لفظ نیز موجب اختلال معنی خواهد شد (زرین‌کوب، ۱۳۶۱: ۸۱/۱). این عناصر در هنگام ترجمه نیاز به دقت نظر دارند. یکی از ویژگی‌های مهم متن مورد ترجمه که مترجم باید آن را در ترجمه به زبان مقصد رعایت کند، سبک گفتار یا نوشتار نویسنده متن اصلی است. مراد از سبک<sup>۲</sup> ویژگی‌هایی در کلام است که آن را از سخنان دیگر متمایز می‌کند (جواهری، ۱۳۸۸: ۳۶). گونه یا سبک، مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی است که در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون در گفتار یا نوشتار به کار گرفته می‌شود؛ به بیان دیگر گونه‌هایی از هر زبان که متناسب با بافت اجتماعی گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد، سبک‌های مختلف آن زبان به‌شمار می‌آید (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۸۵). در همه زبان‌ها گونه‌های سبکی متفاوتی وجود دارد و بنابراین، گوناگونی‌ها و تنوعات سبکی در همه زبان‌ها قابل مشاهده است. جداسازی سبک‌های مختلف در هر زبان کاری دشواری است؛ زیرا اصولاً در پیوستار سبکی، مرز روشن و قاطعی میان گونه‌های مختلف وجود ندارد (همان، ۱۸۸). کارشناسان برای تشخیص نوع سبک، راهکارها معیارهایی مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

الف) ارزش‌یابی واژه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در متن از جهت علمی، ادبی، فرهنگی، بلاغی و جز این‌ها.

ب) کالبدشکافی دستوری و بلاغی آیات برای آشکار کردن ظرایف بیانی و عوامل مؤثر در سبک.

ج) بررسی آوایی متن و آرایه‌های بدیعی کلام (جواهری، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

برخی کارشناسان، آیات قرآن را در سه سبک خطابی، ادبی و علمی جای داده‌اند (الباقوری، ۱۳۸۲: ۲۸/۱). به مناسبت اهمیت توجه به بلاغت در ترجمه متون مقدس، در این مرحله به بررسی سبک ادبی در ترجمه‌های قرآن به زبان روسی می‌پردازیم:



## ۳-۱. وصل بلاغی

دقت نظر در ساخت روشمند بلاغت و ارتباط دانش‌های آن به این امر منجر می‌شود که این دانش بر اساس رابطه بین سبک و معنا رشد کند. تعریفی که آورده‌ایم به این معناست که معنایی وجود دارد و گوینده قصد بیان آن را دارد و می‌خواهد آن را به شنونده برساند. هدف بلاغت این است تا کیفیت بیان معنا را با کلامی فصیح و مناسب با احوال شنوندگان بیاموزد؛ بنابراین بلاغت یعنی مطابقت سبک گوینده و معنایی که قصد بیان آن را دارد (الکوازی، ۱۳۸۶: ۶۹). علم معانی یکی از فنون بلاغت است. موضوع آن الفاظی است که رساننده مقصود متکلم باشد و فایده آن آگاهی بر اسرار بلاغت است در نظم و نثر (دهخدا، بی‌تا: ۱۰). یکی از مباحث عمده علم معانی «وصل و فصل» است. وصل به معنای ارتباط دادن دو جمله یا واژه به وسیله حرف ربط «واو» است. وصل بلاغی به وسیله حرف ربط برای تأکید بر جزئیات و نشان دادن اتحاد میان اجزای بیان‌شده در جمله به‌کار می‌رود (الهاشمی، ۱۳۷۸: ۱۸۰). تکرار حرف ربط درحقیقت یک تناسب و زیبایی بیرونی را به‌وجود می‌آورد، مانند:

«هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید/ ۵۷/ ۳).

ترجمه: اول و آخر و پیدا و پنهان اوست و او به هر چیز داناست (مکارم شیرازی).

Э.Р.Кулиев: Он – Первый и Последний, Высочайший и Ближайший. Он знает обо всякой вещи.

М.Н. О. Османов: Он — и первый и последний, явный и сокровенный. Он ведает обо всем сущем.

И.В. Пороховой: Начало и конец — Он, Явь и тайна, И преисполнен знания всякой вещи.

И.Ю. Крачковский: Он - Первый и Последний, Явный и Тайный, и Он о всякой вещи знающ.

براساس تحلیل تقابلی، بعد از اینکه نوع عنصر زبانی را مشخص کردیم برای آن عنصرها باید در پی برابری مناسبی باشیم. بنابراین ممکن است با هر عنصر زبانی رفتار متفاوتی داشته باشیم؛ زیرا عنصرهای معناداری هستند که برای آن‌ها معادل مناسبی را نمی‌توان پیدا کرد یا اینکه فاقد معادل هستند، اما می‌توان برای آن‌ها راه‌حلی یافت. عناصر معناداری نیز هستند که دارای چند معادل هستند و این عنصرها نیز هنگام برگردان نیاز به دقت نظر دارند. عنصر وصل موجود در آیه ۳ سوره حدید را می‌توان در سبک ادبی زبان روسی نیز یافت.

ادبیات پوشکین، شاعر و نویسنده معروف روسیه، بهترین نمونه به کارگیری عنصر «وصل بلاغی»<sup>۴</sup> در ادبیات روسیه است. وصل در ادبیات و بلاغت زبان روسی به عنوان تأکید و سلاست در کلام مورد بررسی قرار می‌گیرد (Джаубаева, 2008: 15). این عنصر هم در زبان مبدأ و هم در زبان مقصد دارای معادل است. بنابراین با دقت در این ترجمه‌ها مشخص می‌شود که همه مترجمان به غیر از کولیف این نکته بلاغی را رعایت کرده‌اند. وصل و تکرار حرف ربط درحقیقت بر اهمیت هر کلمه تأکید می‌کند و بیان را قوت می‌بخشد و به همین خاطر است که رعایت کردن آن هنگام انتقال به زبان دیگر اهمیت دارد. علاوه بر این می‌توان متذکر شد که این سبک بلاغی، برای حفظ زیبایی کلام و تأکید بر واژه‌ها و معانی، از تشکیل چند جمله جلوگیری می‌کند. لذا با توجه به این نکته می‌توان گفت که از بین ترجمه‌های ذکرشده ترجمه کولیف با شکستن جمله و انتقال پایان آن به جمله دوم بلاغت را خدشه‌دار کرده است.

بلاغت قرآن به مطابقت کلام با مقتضای حال توجه ندارد؛ بلکه فراتر از این به تأثیر بر مخاطبان توجه دارد که آن‌ها را از آوردن مثل آن ناتوان ساخته است (الکوازی، ۱۳۸۶: ۳۷۹). مانند:

وَ طَلْحٍ مَّنْضُوبٍ (۲۹) وَ ظِلٍّ مَّمْدُودٍ (۳۰) وَ مَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱) وَ فَكَّهٍ كَثِيرَةٍ (۳۲) لَّا مَقْطُوعَةٍ  
وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳) وَ فُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴) (واقعه/۵۶/۲۹-۳۴).

ترجمه: و در سایه درخت «طلح» پربرگ [درختی خوشرنگ و خوشبو]، (۲۹) و سایه کشیده و گسترده، (۳۰) و در کنار آبشارها، (۳۱) و میوه‌های فراوان، (۳۲) که هرگز قطع و ممنوع نمی‌شود، (۳۳) و همسرانی بلندمرتبه! (۳۴) (مکارم شیرازی).

Э.Р.Кулиев: 29. под бананами (или акациями камеденосными) с висящими рядами плодами, 30. в распростертой тени, 31. среди разлитых вод 32. **и** многочисленных фруктов, 33. которые не кончаются **и** доступны. 34. Они будут лежать на приподнятых матрацах.

М.Н.О. Османов: 29. под бананами, отягощенными плодами, 30. в тени [деревьев] раскидистых, 31. среди ручьев текучих 32. **и** плодов обильных, 33. доступных **и** разрешенных; 34. среди [супружеских] лож, высоко воздвигнутых.

И.В. Пороховой: 29. **И** среди растущих гроздьями цветов акаций, 30. Под далеко раскинувшейся тенью, 31. На берегу текучих вод, 32. **И** среди плодов



обильных, 33. В которых нет (сезонного) предела, **И** нет запрета (потреблению). 34. На возвышающихся ложах.

И.Ю. Крачковский: 29. **и** талха, увешанного плодами, 30. **и** тени протянутой, 31. **и** воды текучей, 32. **и** плодов обильных, 33. не истощаемых **и** не запретных, 34. **и** ковров разостланных,

هنگام خواندن ترجمه‌های این آیات می‌توان نتیجه گرفت که وصل بلاغی در ترجمه کراچکوفسکی بیشتر رعایت شده است. قرآن وصل بلاغی را برای تشکیل زنجیره‌ای از گروهی خاص به کار برده است تا وحدت خاصی را برای خواننده در ذهن به وجود آورد. این به هم زنجیر کردن واژه‌ها به وسیله تکرار حرف ربط «واو» و پیوسته جلوه دادن وقایع یا موضوع باعث می‌شود تا خواننده اهمیت نقش حرف ربط در اتصال آیات به یکدیگر را هنگام بازنویسی آیات بدون حرف ربط دریابد. بدین وسیله پیام برای مخاطب پررنگ‌تر جلوه می‌کند.

### ۲-۳. فصل بلاغی

فصل بلاغی یکی دیگر از فنون بلاغت است که در اینجا به بررسی آن می‌پردازیم. در حالی که وصل بلاغی با استفاده از حروف ربط، بیان را قوت می‌بخشد و بر جزئیات تأکید می‌کند، فصل بلاغی نیز با حذف حرف ربط سبب ایجاد فشردگی می‌شود. از بین بردن فاصله بین بخش‌ها یکی دیگر از شگردهای پررنگ کردن پیام است، مانند:

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر/۵۹/۲۳).

ترجمه: و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند و شایسته عظمت است. خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند! (مکارم شیرازی).

Э.Р.Кулиев: Он – Аллах, **и** нет божества, кроме Него, Властелина, Святого, Пречистого, Оберегающего, Хранителя, Могущественного, Могучего, Гордого, Пречист Аллах и далек от того, что они приобщают в сотоварищи.

М.Н.О. Османов: Он — Аллах, **нет** бога, кроме Него, Он — властелин, пресвятой, дарующий безопасность, надежный, хранитель, великий, могущественный, возвеличенный. Пречист он от того, чему поклоняются наряду с Ним.



И.В. Пороховой: Нет божества, кроме Аллаха! Он — царь, Он — святой, Источник совершенства, Он мир дарит, Заповедает веру и блюдет сохранность, Верховный судия, Что власти безграничной преисполнен, Хвала же Господу! Он выше всех божеств, Что люди измышляют в равные Ему!

И.Ю. Крачковский: Он - Аллах, нет божества, кроме Него, Царь, Святой, Мирный, Верный, Охранитель, Великий, Могучий, Превознесенный; хвала Аллаху, превыше Он того, что они придают Ему в соучастники!

فصل<sup>۵</sup> از ابزارهای بلاغی است که در سبک ادبی روسی موجود است. نمونه این سبک را می‌توان در آثاری چون «البالو»<sup>۶</sup> و «قزاق»<sup>۷</sup> پوشکین مشاهده کرد. در زبان روسی، ساختار نشان‌دهنده اتصال در این جمله‌ها می‌تواند اجزای مختلف کلام باشد که به نوعی بیان‌کننده اتحاد معنایی در کل متن و موضوع بیان شده است. مهم‌ترین عامل اتحاد در این متن‌ها لحن کلام است (Джаубаева, 2008: 74). در مثال ذکرشده، هنگام ترجمه فصل بلاغی به زبان روسی بهتر است از جمله مرکب بدون حرف ربط،<sup>۸</sup> استفاده شود. در این ترجمه‌ها مشاهده می‌شود که کراچکوفسکی برای حفظ این ساختار بلاغی از جمله مرکب بدون حرف اضافه استفاده کرده است؛ مسئله‌ای که در دیگر ترجمه‌ها دیده نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در ترجمه او تعادل سبکی وجود دارد. رعایت کردن فصل بلاغی در این آیه، وحدت خاصی بین صفات الهی به وجود می‌آورد و به خواننده ابهت می‌دهد. این شگرد علاوه بر زیبایی ظاهری، معنای خاصی را نیز برای خواننده در ذهن ترسیم می‌کند. مانند:

«هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۵۹/۲۴).

ترجمه: او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورتگری (بی‌نظیر) برای او نام‌های نیک است آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند و او عزیز و حکیم است (مکارم شیرازی).

Э.Р.Кулиев: Он – Аллах, Творец, Создатель, Дарующий облик, У Него – самые прекрасные имена, Славит Его то, что на небесах и на земле, Он – Могущественный, Мудрый.

М.Н.О. Османов: Он — Аллах, творец, создатель, дарующий облик, Ему принадлежат самые прекрасные имена, Славят Его те, что на небесах и на земле, Он — великий, мудрый.

И.В. Пороховой: И Он — Аллах, Творец (Вселенной), Создатель (совершенного порядка в ней), Образователь (высших форм и видов) — К Нему — прекраснейшие имена восходят, И все, что в небесах и на земле,



Хвалу и славу воздает Аллаху, (Кто безгранично) мудр и велик!

И.Ю. Крачковский: Он - Аллах, Творец, Создатель, Образователь, У Него самые прекрасные имена. Хвалит Его то, что в небесах и на земле. Он - Великий, Мудрый!

در بررسی این ترجمه‌ها می‌توان گفت که تنها ترجمه پاراخووا به صورت جمله مرکب بدون حرف ربط است و فصل بلاغی دارد. سایر مترجمان با شکستن جمله و تشکیل چند جمله ساده، تعادل سبکی را بر هم زده‌اند. در نتیجه وحدت خاصی را که باید برای خواننده به وجود آید، انتقال نداده‌اند و معنای ویژه‌ای که این سبک دنبال می‌کند در خصوص صفات الهی کاملاً برگردانده نشده است.

ممکن است بلاغت را به‌عنوان یک علم آموخته و به‌عنوان یک صنعت و منطق به خوبی فراگرفته باشیم؛ اما هنوز به شدت نیازمندیم که آن را به‌عنوان یک ذوق اصیل و یک احساس سرشار در آیات فصاحت برتر و بلاغت اعجاز تجربه کنیم (عبدالرحمن بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۵۵). علمای مسلمان، آراء و نظریه‌های مختلفی در بیان اعجاز قرآن ابراز داشته‌اند و در بحث وجوه اعجاز، اقوال مختلفی را برگزیده‌اند. اما اعجاز بیانی قرآن هرگز مورد نزاع و جدل قرار نگرفته و تنها چیزی که در میان فرقه‌های مختلف اسلامی مورد نزاع واقع شده، آن است که آیا باید بلاغت قرآن را تنها وجه اعجاز در نظر داشت یا در کنار آن وجوه دیگری نیز وجود دارد (همان، ۷۱).

### ۳-۳. سبک ریتمیک قرآن

بی‌گمان امروز دانش زبان‌شناسی و آواشناسی با یافته‌ها و تئوری‌های جدید و نیز ابزارهای الکترونیکی دقیق می‌تواند جزئی‌ترین ارتعاشات تارهای صوتی و نامحسوس‌ترین تغییرات فیزیولوژیک به هنگام سخن را بسنجد و نشان دهد و با دستگاه‌های اسیلوگراف، فونوگراف و آواسنج توانایی آن را به دست آورد و طیف نگاشته‌هایی صوتی تهیه کند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۵: ۵۴۰-۶۲۹). قرآن سبکی کاملاً ابداعی و متفاوت با سبک‌های شناخته شده عرب دارد؛ نه شعر است، نه نثر ساده و نثر مسجع متناسب کاهنان آن روز. در شعر اولویت اول الفاظ، چینش کلمات و وزن آن است. نثر مسجع نیز هر چند شکل کوتاه آن لذت‌بخش است؛ اما اگر طولانی شود، به متنی آزاردهنده تبدیل می‌شود و در ضمن، لفظ‌نما بودن را نیز دارد و اولویت اول در

آن از آن الفاظ است و نه معانی؛ اما در سبک قرآن اهمیت نخست از آن معانی است، ولی هرگاه معنا مصون بوده، نمکی از سجع در آن پاشیده شده است، آن گونه که خواننده به هیچ روی از آهنگین بودن الفاظ خسته نمی‌شود (جواهری، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سکاکی می‌گوید: «اعجاز قرآن امری است که نه قابل وصف، یا همچون ملاحظت یا همچون درک نغمه خوش که برای آنان که از روان سالم برخوردار نیستند ممکن نیست، جز به آگاهی دقیق از دو علم معانی و بیان» (سکاکی، ۱۴۲۲ق: ۱۹۶). صرف نظر از بهره‌گیری قرآن از صناعات ادبی و آرایه‌های زبانی در هنر تصویرپردازی، آنچه بیش از همه رخ می‌نماید، وجود حرکت، آهنگ، پویایی و حیات در تار و پود موضوعات تصویر است (شاکر، ۱۳۸۳: ۵). آهنگ گفتار از نظر قصد و اراده به سبک نزدیک است، چون متکلم، گاه در سخن از مسیرش منحرف می‌شود که به نیت و اراده او بستگی دارد (زمخشری، بی‌تا: ۳/ ۵۳۸).

در این مرحله از پژوهش، چند ساختار بلاغی قرآن را که نثری مسجع دارند، با هم مقایسه می‌کنیم. شیوه‌های سه گانه متعارف (شعر، نثر و سجع) هر یک محاسنی دارند و معایبی. سبک قرآنی، جاذبیت و ظرافت شعر، آزادی مطلق نثر، حسن و لطافت سجع را داراست، بی‌آنکه در تنگنای قافیه و وزن قرار گیرد، یا پراکنده‌گویی کند یا تکلف و دشواری را تحمل کند. همین امر مایه حیرت سخن‌دانان عرب گردید و خود را در مقابل سخنی یافتند که شگفت‌آفرین است و در عین غرابیت و تازگی، جاذبیت و ظرافت خاصی دارد که در هیچ یک از انواع کلام متعارف آنان یافت نمی‌شود (معرفت، ۱۳۸۰). این تأثیرات به اندازه‌ای بود که به پیامبر<sup>(ص)</sup> نسبت ساحر می‌دادند و می‌گفتند از افسون جادویی سخن او بگریزد و آن‌گاه که از کنارش به هنگام تلاوت آیات عبور می‌کردند جامه بر سر می‌کشیدند و می‌گذشتند. ولید گفت: سخن او شیرینی خاصی دارد. ریشه آن پرمایه و شاخه‌اش پرمیوه است. از اهل کتاب هم کسانی بودند که با شنیدن آیات قرآنی اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد (مائده/ ۵/ ۸۳) (مطهری، ۱۳۶۸: ۴۳۳). مانند:

«الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴) الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵)  
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَأَقِيمُوا  
الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹) وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَكَاهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ  
الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳)» (الرحمن/ ۱/ ۵۵-۱۳)



ترجمه: خداوند رحمان، (۱) قرآن را تعلیم فرمود، (۲) انسان را آفرید، (۳) و به او «بیان» را آموخت. (۴) خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند، (۵) و گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند! (۶) و آسمان را برافراشت، و میزان و قانون (در آن) گذاشت، (۷) تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید)، (۸) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نکنید! (۹) زمین را برای خلائق آفرید، (۱۰) که در آن میوه‌ها و نخل‌های پرشکوفه است، (۱۱) و دانه‌هایی که همراه با ساقه و برگ‌ها است که به‌صورت کاه درمی‌آید، و گیاهان خوشبو! (۱۲) پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید (شما ای گروه جنّ و انس)؟! (۱۳) (مکارم شیرازی).

Э.Р.Кулиев: 1. Милостивый 2. научил Корану, 3. создал человека 4. и научил его изъясняться. 5. Солнце и луна движутся согласно рассчитанному порядку. 6. Травы (или звезды) и деревья совершают поклоны. 7. Он возвысил небо и установил весы, 8. чтобы вы не преступали границы дозволенного на весах. 9. Взвешивайте беспристрастно и не занижайте вес. 10. Он установил землю для тварей. 11. На ней есть фрукты и пальмы с чашечками (или волокнами), 12. а также злаки с листьями и травы благоуханные. 13. Какую же из милостей вашего Господа вы считаете ложью?

М. Н. О. Османов: 1. Милостивый 2. научил [Мухаммада] Корану, 3. создал человека, 4. научил его ясной речи. 5. Солнце и луна [ходят] согласно [предначертанному] порядку. 6. Трава и деревья бьют поклоны [Аллаху]. 7. Он возвел небо и установил весы, 8. чтобы вы не обманывали при взвешивании. 9. Взвешивайте [о люди,] по справедливости, не допускайте недовеса. 10. Для тварей простер Он землю, 11. на которой [растут] плоды и пальмы с тугими гроздьями, 12. а также травы колосющиеся и травы благоуханные. 13. Какую же из милостей вашего Господа вы не признаете?

И.В. Пороховой: 1. (О) Милосердный (Бог наш!) 2. Он — Тот, кто научил Корану,

3. Кто человека создал 4. И речи научил его. 5. И солнцу и луне назначил срок движенья.

6. Склоняют головы пред Ним И звезды (в небе) и деревья (на земле). 7. Воздвиг Он небо и Весы установил (Для замера добра и зла), 8. А потому вес устанавливайте справедливо Не уменьшая (чаши) равновесья. 9. Чтоб вы не преступали должного баланса

10. Он землю распростер для всякой плоти. 11. На ней (для вас взрастил) плоды на пальмах Укрытые (надежно) скорлупой. 12. И злаки (для людей) С сухими стеблями для корма (их скоту), И ароматные растения (и травы). 13. Тогда какое же из благ Господних Вы ложью можете наречь?

И.Ю. Крачковский: 1. Милосердный 2. Он научил Корану, 3. сотворил

человека,

4. научил его изъясняться. 5. Солнце и луна - по сроку, 6. трава и деревья поклоняются.

7. И небо Он воздвиг и установил весы, 8. чтобы вы не нарушали весов. 9. И устанавливайте вес справедливо и не уменьшайте весов! 10. И землю Он положил для тварей. 11. На ней - плоды, и пальмы с чашечками, 12. и злаки с травой, и благоуханные травы. 13. Какое же из благодеяний Господа вашего вы сочтете ложным?

سجع و به کارگیری قافیه‌های مشترک، نوعی موسیقی کلامی ایجاد می‌کند که اهل فن آن را بررسی کرده‌اند. اگر این آیات را از نظر آهنگی که در آن وجود دارد، ارزیابی کنیم، می‌توان گفت که ۸۵٪ ریتم آن از صدای «ن» تشکیل شده است که با حرف «نون» ترسیم و تکرار شده است. تکرار یک حرف به‌عنوان سجع کلام برای جلب توجه و کنجکاوی خواننده و نفوذ بیشتر کلام است. در زبان‌شناسی نظریه‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه هر چه تعداد مصوت‌ها در گفتار بیشتر باشد کلام ما آهنگین‌تر خواهد بود. این نظریه درست نیست. بلاغت در زبان روسی بر پایهٔ تناسب میان مصوت‌ها و صامت‌ها استوار است که ویژگی بارز زبان روسی شمرده می‌شود. در زبان روسی به طور متوسط ۴۲٫۳۵٪ مصوت، ۵۳٫۵۳٪ صامت و ۴٫۱۲٪ صدا й وجود دارد. مصوت‌ها فقط در ترکیب با صامت‌ها کلام را آهنگین می‌کند (Голуб, 2001:158). حضرت علی<sup>(ع)</sup> دربارهٔ تکرار پیوستهٔ کلمات و اصوات در *قرآن* می‌فرماید: «وَلَا تَخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَ وُلُوجُ السَّمْعِ» (دشتی، ۱۳۸۴: ۲۹۰). تکرار در سخن، پدیده‌ای است گفتاری و نوشتاری که موجب برجستگی آن در نمودار کلام می‌شود و عادی‌ترین ذهن‌ها را بدون هیچ زحمتی به خود جلب می‌کند، هرچند تحلیل و فهم جنبه‌های زیباشناختی آن مستلزم دقت نظر است. تکرار یا به عبارت دیگر تکریر از جلوه‌های تحسین‌آمیز سخن‌پردازی است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف بررسی شود که توسعهٔ معانی، حسن تأثیر و موسیقی کلام از جمله آن‌هاست. این پدیدهٔ شگرف همواره در مرز ابتذال و اعتلا در تردد است و بدون دانستن دقایق و ظرایف آن، کلام را به وضعیت ابتذال می‌برد و با فهم لطایف آن، حسن استعمال کلام به کمال زیبایی و تأثیرگذاری می‌رسد (شاکر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

ریتم در جریان یافتن آیات به طور منظم و هماهنگ بر نظام ویژهٔ *قرآن* تجلی می‌یابد. به معیارهای علم عروض یا اسباب نمی‌توان بر آن حکم کرد، هر چند که برخی از آیات آن به وزن شعر درآمده است. علت آن است که *قرآن* اساساً شعر نیست؛ اما آن با وجود خارج

بودن از اوزان شعر، محسوس است. ریتم قرآن انوعی دارد که به تناسب با معانی آیات به کار گرفته شده است: الف) ریتم کوبنده، ب) ریتم نرم، ج) ریتم کند، د) ریتم تند. البته انواع دیگری از ریتم در قرآن وجود دارد و کافی است اشاره کنیم که سبک قرآن ریتمیک و سرشار از موسیقی متناسب با معانی ممتاز است، بی آنکه ریتم بر معنا و یا معنا بر ریتم غلبه یابد (الکوزی، ۱۳۸۶: ۳۰۷). موسیقی عبارت است از اصوات و آهنگ‌هایی که در روان آدم تحریکاتی ایجاد می‌کند که گاهی شخص از آن لذت می‌برد و زمانی با آهنگی به غم و افسردگی دچار می‌شود (خوروش، بی‌تا: ۲۶). آنچه در بحث فواصل نقش اصلی را دارد معناست نه لفظ تنها. یعنی فواصل قرآن صرفاً هم‌آهنگی لفظی نیست و بیشتر نظم معنایی خاصی را نیز در لابه‌لای بندها و آهنگ‌ها به وجود می‌آورد. در عین حال این فواصل، سهل و آزاد و بی‌تکلف‌اند (عبدالرحمن بنت الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۳۹). با توجه به نکته‌های بلاغی ذکرشده نتیجه می‌گیریم که مترجمان این سبک بلاغی را در ترجمه آیات فوق انتقال نداده‌اند. امانت ترجمه متن مقدس چنین ایجاب می‌کند که علاوه بر انتقال معنا، ظاهر متن مبدأ و سبک آن نیز حفظ شود و یا ممکن است بگویند عمل به احتیاط در ترجمه فن بلاغی قرآن بهتراست، مگر اینکه حفظ این فن در ترجمه ضرر داشته باشد و یا نداشتن تناسب زبانی، ترجمه آن را غیر-ممکن کرده است. حال بر این مبنا می‌توان سؤالی را مطرح کرد که آیا سجع پایان بیشتر آیه-ها تقلیدپذیر است؟ چگونه ممکن است در زبانی جز زبان اصلی بتوان سجع به این زیبایی پیدا کرد؟ در پاسخ شاید بتوان گفت مثلاً در زبان فارسی، سعدی که استاد سجع است، بتواند در ترجمه قرآن سجع‌های خوبی بیاورد. در شعر و ادب روسی از ابزارهای متعددی برای قوت بخشیدن به زیبایی آوایی کلام استفاده می‌شود. شاعران تلاش می‌کنند با انتخاب کلماتی که دارای آوای مشابه و حروف هم‌صدا هستند به تشابه آوایی کلمات دست یابند (Векшин, 1990: 69-86)؛ اما برای رسیدن به جواب سؤالات مطرح‌شده بهتر است هر دو زبان را (عربی و روسی) در حوزه زبان‌شناسی بررسی کنیم. به کمک زبان‌شناسی تطبیقی که به مقایسه واج‌شناسی، تاریخ تحول واژگان و واژگان دو یا چند زبان می‌پردازد، می‌توان استدلال کرد که زبان عربی که از زبان‌های سامی و زبان روسی که از شاخه زبان‌های هند-اروپایی هستند، ذخیره واژگانی متفاوتی دارند. برای اینکه بتوان قافیۀ زبان مبدأ را انتقال داد، باید ذخیره واژگان مشابهی در اختیار مترجم باشد. شاید ترجمه کردن قافیۀ زبان‌های

اسلاوی و بالت به یکدیگر به دلیل داشتن ذخیره لغات مشابه کاری آسان‌تر باشد و در حقیقت ممکن؛ اما نداشتن شباهت آوایی در ذخیره واژگان زبان مبدأ و مقصد انتقال موسیقی درونی و محتوایی قرآن را ناممکن می‌سازد.

## ۲. نتیجه‌گیری

مشخص کردن نهایت زیبایی و جمال در جنبه هنری قرآن شاید برای پژوهشگران ممکن نباشد. همان‌طور که انسان عادی توانایی احاطه بر تمام معانی قرآن را ندارد، در نتیجه نداشتن احاطه کامل به جنبه‌های زیبایی قرآن نیز ممکن نیست؛ زیرا کلام خداوند مطلق است. با مقایسه‌هایی که در این پژوهش صورت گرفت، می‌توان گفت که ترجمه برابر با اصل قرآن کریم به دلیل اعجاز بلاغی امری ناممکن است. اگر مترجم برای انتقال دادن سبک بلاغی قرآن، معنا را قربانی کند در حقیقت امانت را حفظ نکرده است. بهتر است در صورت مصون بودن معنا سبک بلاغی نیز به آن اضافه شود؛ زیرا یکسانی ترجمه زیبایی‌های بلاغی قرآن بیشتر به سراب شباهت دارد. برای بهتر شدن ترجمه‌ها تعامل سازنده‌ای باید میان مترجم و زبان‌شناس به وجود بیاید. ذخیره لغات معیار هر زبان و فنون بلاغی و ادبی که زبان‌شناس با تحقیق و تأیید، آن‌ها را در اختیار مترجم می‌گذارد، می‌تواند به ترجمه هرچه بهتر متون حساسی چون قرآن کمک کند. مترجم چنین کتابی، بهتر است به تحقیقات زبان‌شناسان در حوزه سبک و تغییرات زبانی نیز احاطه کامل داشته باشد.

## ۳. پی‌نوشت‌ها

۱. برای مثال مقایسه شاخه ایرانی از خانواده هندواروپایی و عبری از خانواده زبان‌های سامی در حوزه زبان‌شناسی مقابله‌ای قرار می‌گیرند.

2. contrastive analysis

3. стиль

4. Полисиндетон или Многосоюзиe.

«Подражания Корану» (1824):

И к пальме пустынной он бег устремил,

И жадно холодной струей освежил

Горевшие тяжко язык и зеницы,



И лег, и заснул он близ верной ослицы —  
И многие годы над ним протекли  
По воле владыки небес и земли.

5. Асиндетона

6. «Вишня» (1813–1817):

Румяной зарею  
Покрылся восток,  
В селе за рекою  
Погух огонек.  
Росой окропились  
Цветы на полях,  
Стада пробудились  
На мягких лугах...

7. «Казак» (1814):

Раз, полунощной порою,  
Сквозь туман и мрак,  
Ехал тихо над рекою  
Удалой козак.  
Черна шапка на бекрене,  
Весь жупан в пыли.  
Пистолеты при колене,  
Сабля до земли...

8. бессоюзное сложное предложение

## ۶. منابع

- اجسون، جین (۱۳۷۰). *زبان‌شناسی همگانی*. ترجمه حسین وثوقی. چ سوم. تهران: انتشارات علوی.
- الباقوری، احمدحسن (۱۳۸۲). *تأثیر قرآن بر زبان عربی*. ترجمه مهدی خرمی. ج اول. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتظار.
- پاکتچی، احمد (۱۳۷۷). «گزارشی کوتاه درباره ترجمه های قرآن کریم به زبان روسی». *ترجمان وحی*. ش سوم. صص ۷۶ – ۱۰۲.
- جواهری، سید محمدحسین (۱۳۸۸). *درسنامه ترجمه اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- خورش، حسین عبدالله (بی‌تا). *تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب*. اصفهان: بنگاه مطبوعاتی مطهر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
- زمانی، محمدحسین (۱۳۸۵). *مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن*. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- زمخشری (بی‌تا). *الکاشف عن حقائق التنزیل*. بیروت: دارالمعرفه.
- سکاکی، یوسف بن‌ابی بکر (۱۴۲۲ق). *مفتاح‌العلوم*. تحقیق عبدالحمید هنداوای. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۳). *قرآن در آینه پژوهش*. تهران: هستی‌نما.
- صمدی، حمید (۱۳۹۰). *پژوهشی در ترجمه کلمات کلیدی قرآن*. مشهد: آهنگ قلم.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۸۵). *مبانی و مقدمات رابطه قرآن و علوم روز*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عبدالرحمن بنت بنت‌الشاطی، عایشه (۱۳۷۶). *اعجاز بیانی قرآن*. ترجمه حسین صابری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قریشی، شکوه (۱۳۹۱). *مقایسه و تطبیق ساختار گرامری و سبک جملات در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای سوره‌های البقره، الرحمن، واقعه، حدید و حشر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران.
- الکوازی، محمدکریم (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن*. ترجمه حسین سیدی. تهران: سخن.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *وحی و نبوت*. قم: صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). *علوم قرآنی. سبک و شیوه بیان قرآن*. قم: مؤسسه فرهنگی تهמיד.



- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن کریم*. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- *نهج البلاغه* (۱۳۸۴). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- الهاشمی، أحمد (۱۳۷۸). *ترجمه و توضیح جواهرالبلاغه در علم معانی بیان و بدیع همراه با پاسخ ترمین‌ها*. ترجمه علی اوسط ابراهیمی. ج. ۱. معانی. قم: حقوق اسلامی.

#### References

- Крачковский, И. Ю. (1963). *Коран*. Перевод и комментарии. Редактор В.И.Беляев. М.
- Пороховой, И. В. (2007). *Коран*. Перевод смыслов и Комментарии. М.:Рипол Классик.
- Кулиева, Э. Р. (2003). *Коран*. Смысловой перевод и комментарии. М.: Умма,
- Османова. М. Н. (1995). *Коран*. Пер. с араб. и коммент. М.
- Ожегов, С. И. and Н.Ю. Шведова (1994). *Толковый Словарь Русского Языка*. М.: Азъ.
- Баранов, Х. К. (2006). *Арабско-русский Словарь*. Изд-во: Живой язык.
- Джаубаева, Ф.И. (2008). *Гармония Поэтического Текста А.С. Пушкина: Полисиндетон / Под ред. профессора К.Э. Штайн*. Ставрополь: Изд-во СГУ.
- Голуб И, Б. (2001). *Стилистика Русского Языка*. 3-е изд., испр. - М.: Рольф.
- Векшин Г. В. (1990). *Принципы Русской Аллитерации // Проблемы стиховедения и поэтики*. – АлмаАта.

**References:**

- Abbasnejad, M. (2006). *Principles and Basics Relationship between the Qur'an and Modern science*. Mashhad: Mashhad: Quranic Science Research Foundation [In Persian].
- Al-avazy, K. M. K.. (2007). *Miracle of the Qurans Rhetorical Style*. Translator: Hossein Seyedi. Tehran: Sokhan Publication [In Persian].
- Al-baqury, A. H. (2003). *Influence of the Qur'an on the Arabic language*. Translation: Mehdi Khorami. First c. Art Institute Farhange Entezar [In Persian].
- Al-hashemi, A. (1999). *Translation and Description Javaher al-Balagha in Rhetorics and Rhetorical Meanings, Exercises with Answers*. Translated by: Ali Awsat Abraham. First volume of Almaani. Qom: Hoquqe Eslami [In Persian].
- Austen, J. (1991). *General Linguistics*. Translator: Vosoughi. Third edition. Tehran. Alavi publications
- Barakhov, J. C. (2006). *Arabic-Russian Dictionary*. Publishing house: Jhivoy yazik [In Russian].
- Bint Abdul Rahman Shore, A. (1997). *Miracle of the Quran*. Translated by: Hossein Saberi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company [In Persian].
- Dekhoda, A. A. A. (1998). *Dictionary*. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University [In Persian].
- Dzhaubaeva, F. I. (2008). *Harmony of the poetic text of A.S. Pushkin*: Ed. Professors K.E. Stein: Polisindeton. Publisher: SGU, Place: Stavropol [In Russian].
- Ghoreishi, Sh. (2012) Comparison of Sentences Style and Grammatical Structures in Russian Translations of the Quran),(Al-baghare, Al-rahman, Vaghee, Hadid va Hashr), Tesis, Tehran: Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran [In Persian].
- Golub, I. B. (2001). *Stylistics of the Russian Language*. 3rd ed., Rev. - Moscow: Rolf. [In Russian].



- Javaheri, S. M. H. (2009). Textbook of Translation: foundations, basics and the Process of Translation. Qom: Institute of Howze and Daneshgah [In Persian].
- Khorvash, H. A. (Without date). *The Effects of Music on the Psyche and Nerves*. Esfahan: Entezar Arts and Cultural Foundation. [In Persian].
- Krachkovsky I.Y. (1963). *Qur'an*. Translation and Commentary. Editor VIBelyaev. M. [In Russian].
- Kuliev, E.R. (2003). *Qur'an. Semantic Translation and Commentary*. M: Ummah [In Russian].
- Makarem Shirazi, N. (2001). *Translation of the Holy Quran*. Tehran: Office of Historical Studies and Islamic Studies [In Persian].
- Marefat, M. H. (2001). *Quranic Sciences*. The style of Qurans speech. Qom: Institute Tahmid [In Persian].
- Modaresi, Y. (1989). *Introduction to the Sociology of Language*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian].
- Motahhari, M. (1989). Revelation and prophecy. Qom. Sadra Publications [In Persian].
- *Nahjolbalaqe*. (2005). Translator: Dashti, Mohammad. Qom. Cultural Research Institute of Amir al-momenin [In Persian].
- O'Grady, W.; M. Dobrovolsky and M. Aronoff (1993). *Contemporary Linguistics, An Introduction*. 2nd edition. St. Martin's Press, Inc.
- Osmanov, M. N. (1995). Qur'an. Translation of Quran from Arabic and comments. M. [In Russian].
- Ozhegov, S. I. and N. Y. Shvedova (1994). *Tolkovy Russian Dictionary*. M.: Az. [In Russian].
- Pakatchi, A. (1998). "A short report on translations of the Holy Quran in Russian" TarJoman Vahai. No. 3 pp. 76 – 102 [In Persian].
- Porokhova, I.V. (2007). *Qur'an*. Translations of the meanings and Commentary. Moscow: Ripol Klassik [In Russian].

- Sakaki, Yusuf bin Abi Bakr (2001). *Meftah Al-Oloom*. Researcher: Handavy, Abdul Hamid. Beirut. Publisher: Dar Al- ketab al-elmiye [In Arabic].
- Samadi, H. (2011). *Research on the Translation of Key Words of the Quran*. Mashhad: Ahange Ghalam [In Persian].
- Shaker, K. (2004). *Quran in the Mirror of Research*. Tehran. Publication: Hasti nama [In Persian].
- Vekshin, G. V. (1990). *Principles of Russian Alliteration // Problems of Poetry and Poetics*. – AlmaAtA [In Russian].
- Zamani, M. H. (2006). *Orientalists, and the Qur'an: Criticizing the Quran by Orientalists*. Qom: Institute Bustane Ketab (the publishing Islamic Propagation Office of Qom Seminary) [In Persian].
- Zamokhshery (Without date). *Detector of load Facts*. Beirut. Dar-al-marefah [In Arabic].
- Zarrinkoub, A. (1361). *Literary Criticism*. Tehran. Amir Kabir Publications [In Persian].